

ایده‌ها و آرمان‌های انقلاب اکتبر جاودانه هستند!



صحنه‌ای از شورای کارگران و سربازان

صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

صد سال پیش بدنبال شدت یابی مبارزه طبقاتی، موج انقلاب جهانی توانست در اکتبر ۱۹۱۷ بورژوازی را از قدرت سیاسی در روسیه به زمین بکشد و پرولتاریای روسیه بسوی حاکمیت شورها قدم بردارد. انقلاب اکتبر بزرگترین حادثه، اتفاق و شگفتی قرن بیستم بوده است. پرولتاریا بعد از کمون پاریس، اولین بار سرمایه داری را به زیر کشید و نشان داد انقلاب کمونیستی نه تنها ضروری، امکان پذیر، بلکه تنها آلترناتیو برای بربریت سرمایه داری است. کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا در روسیه، بیانگر آغاز عصر نوینی بود. عصر امپریالیسم و عصر انقلابات کمونیستی.

انقلاب اکتبر در شرایطی بوقوع پیوست که سرمایه داری وارد دوران انحطاط خود شده بود و عصر انقلابات بورژوائی به سر رسیده بود و به تبع آن عصر انقلابات کمونیستی شروع شده بود. ماهیت هر انقلابی از آنجمله انقلاب اکتبر از طریق برنامه و نیروهای اجتماعی درگیر در انقلاب مشخص می شود. دخالت فعال طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی، مخالفت طبقه کارگر روسیه با جنگ امپریالیستی، مطرح کردن مطالبات انقلابی و در روند آن شکل گیری شوراهای کارگری به مثابه قدرت پرولتری به انقلاب اکتبر ماهیت پرولتری میداد. پرولتاریای روسیه پیشگام انقلاب جهانی شده بود. بلشویکها و در رأس آن لنین بخوبی میدانستند بدون پیروزی انقلاب در دیگر کشورهای سرمایه داری، انقلاب در روسیه منزوی خواهد شد. لنین در نامه خداحافظی خود به کارگران سوئیس، تصور یک طبقه انقلابی در روسیه، مجزا از سایر کارگران اروپا را مطلقاً بیگانه ارزیابی می کرد و تاکید می کرد که این شرایط احتمالاً خیلی کوتاه مدت خواهد بود، به عبارت بهتر کارگران اروپا انقلاب خواهند کرد و چنین می نویسد:

"افتخار بزرگ آغاز یکسری انقلابات، بواسطه ضرورت عینی که توسط جنگ امپریالیستی بوجود آمد، نصیب پرولتاریای روس گردیده است. ولی تصور نگرستن به پرولتاریای روسیه بعنوان یک طبقه انقلابی ارتقاء یافته در ماورای کارگران دیگر کشورها برای ما مطلقاً بیگانه است... نه کیفیات خاص، بلکه صرفاً شرایط تاریخی خاص، شرایطی که احتمالاً خیلی کوتاه مدت خواهد بود، است که پرولتاریای روس را پیشاهنگ کل پرولتاریای انقلابی نموده است." [۱]

بلشویکها آگاه بودند و تاکید می کردند که نباید از یاد برند که انقلاب آنها جزئی از انقلاب جهانی است و سرنوشت انقلاب سوسیالیستی روسیه به سرنوشت انقلاب جهانی و بخصوص به انقلاب آلمان وابسته است. آنها وظایف خویش را تنها از افق انقلاب جهانی ترسیم میکردند، لنین در این زمینه چنین می نویسد:

"افتخار بزرگ آغازیدن [انقلاب جهانی] نصیب پرولتاریای روس شده است، اما، او نبایستی از یاد برد که جنبش و انقلاب او تنها جزئی از جنبش پرولتاریای انقلابی جهان می باشد، جنبشی که هر روز قویتر و قدرتمندتر رشد می کند، برای نمونه در آلمان. ما فقط از این نقطه اتکا است که می توانیم وظایف خویش را تعیین کنیم." [۲]

:

غول خفته بیدار شده بود، پرولتاریای روسیه افق جدیدی به مبارزه طبقاتی و موج انقلاب جهانی در سطح جهانی داده بود. طبقه کارگر سراسر جهان بدنبال تعمیم دادن تجربه انقلاب اکتبر برای به زیر کشیدن دولت بورژوائی و تسخیر قدرت توسط پرولتاریا و برقراری دیکتاتوری خود از طریق شوراهای سراسری شدند.

موج انقلاب جهانی که در حال پیشروی بود و بورژوازی را به لرزه در آورده بود، در دژ سرمایه، در آلمان با مقاومت سرمایه روبرو شد. از سوئی بورژوازی آلمان از تجربه انقلاب اکتبر آموخته بود و پرولتاریای آلمان با شرایط سخت تری مواجه شد، از سوی دیگر پرولتاریای آلمان و حزب طبقه کارگر همانند بلشویکها آمادگی لازم را نداشتند. انترناسیونالیستها اعلام کرده اند پیشروی انقلاب اکتبر بعنوان بخشی از انقلاب جهانی نیازمند انقلاب آلمان بود نه بخاطر میزان رشد نیروهای مولده در روسیه، بلکه بخاطر ماهیت جهانی انقلاب کمونیستی. به عبارت بهتر اگر انقلاب نه در روسیه بلکه در جزیره پیشرفته ای مثل بریتانیا شکل میگرفت باز هم بعنوان بخشی از انقلاب جهانی نیازمند پیروزی انقلاب در دیگر کشورها بود. روزا لوکزامبورگ نه تنها افسانه رشد نیافتگی روسیه را بی اساس خواند بلکه علل انحطاط انقلاب اکتبر را در شکست انقلاب جهانی پنداشت و در این رابطه چنین می نویسد:

"عملا این دکترین بیانگر این تلاش است که گریبان خود را از مسئولیت در قبال مسیر انقلاب روسیه، تا آنجاکه به پرولتاریا بین المللی و به ویژه به پرولتاریای آلمان مربوط می شود، رها سازد و پیوندهای بین المللی این انقلاب را انکار کند. این ناپختگی روسیه نیست که مسیر رویدادهای جنگ و انقلاب روسیه آن را به اثبات رسانده بلکه ناپختگی پرولتاریا آلمان برای تحقق وظایف تاریخی اش بوده است و روشن کردن کامل این امر، نخستین وظیفه بررسی انتقادی انقلاب روسیه است." [۳]

بدنبال شکست موج انقلاب جهانی و ایزوله شدن انقلاب اکتبر که همراه با محاصره اقتصادی و دخالت دیگر قدرتهای امپریالیستی از طریق ارتش سفید بود، عملا شیرازه جامعه از هم گسیخت. بلشویکها که زمانی شعار "تمام قدرت بدست شوراها" را مطرح کرده بودند به قدرت سیاسی چسبیدند و خود را با قدرت دولتی تعریف کردند. در چنین شرایطی بود که برای بقای خود کمونیسم جنگی، نپ و غیره مطرح شد که موجب نارضایتی در بین کارگران، ملوانان و دهقانان شد. شورش کرونشتات و سرکوب آن اولین بیان انحطاط انقلاب اکتبر بود.

انحطاط انقلاب اکتبر به مفهوم سربرافراشتن ضد انقلاب بود. ضد انقلاب استالینی با قتل عام نسلی از کمونیستها، خالقان انقلاب اکتبر جشن پیروزی خود را بر پا کرد. استالینیسم بر ویرانه های انقلاب اکتبر و بر روی استخوانهای کمونیستهای بخون تپیده شده، خود را تحکیم بخشید. استالینیسم نه روند تکاملی انقلاب اکتبر، بلکه گور کن انقلاب اکتبر بوده است.

درمقابل انحطاط انترناسیونال سوم و قد برافراشتن استالینیسم، کمونیستهای انترناسیونالیست (کمونیست چپ) از همان ابتدا، از روسیه گرفته تا مکزیک، از انگلستان گرفته تا ایتالیا ایستادند و به دفاع از مارکسیسم پرداختند. در این میان ابتدا باید از نقش برجسته کمونیست چپ آلمان-هلند نام

برد. سپس این افتخار، این مسئولیت سترگ، دفاع از مارکسیسم در مقابل ضد انقلاب، دفاع از دستاوردهای پرولتاریا، دفاع راستین از انقلاب اکتبر، نصیب کمونیست چپ ایتالیا شد. بی جهت نیست که تمامی کمونیستهای انترناسیونالیست یا از این سنت برخاسته اند و یا خودشان را متعلق به این سنت میدانند.

ایدئولوژیهای سرمایه از انقلاب اکتبر بعنوان کودتائی که گولاگ، اردوگاه کار اجباری، سرکوب سازمانیافته، فقر تداوم یافته ... و در یک کلام بربریتی تحت عنوان شوروی سابق، بیار می آورد، نام میبرند. برای انترناسیونالیستها درسهای انقلاب اکتبر و تجربه ای که بزرگترین رویداد قرن بیستم ارائه داده است، از اهمیت بخصوصی برخوردار است. این درسها و تجارب بعنوان سرمشقی است در نبردهای آتی طبقه کارگر.

مهمترین تجربه انقلاب اکتبر، تجربه شوراهای کارگری است. شوراهای کارگری محصول انقلاب اکتبر است. انقلاب اکتبر نشان داد که پرولتاریا تنها از طریق شوراهای سراسری خود که شامل کل طبقه است، می تواند دیکتاتوری خود را اعمال کند.

نفی درک جانشینگرایانه از حزب، از درسهای انقلاب اکتبر است. به عبارت بهتر در دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، نفی اینکه حزب خود را با قدرت سیاسی تعریف کند و حزب جانشین دیکتاتوری پرولتاریا شود. دیکتاتوری پرولتاریا، دیکتاتوری طبقه کارگر از طریق شوراهای سراسری است نه دیکتاتوری حزبی، حتی حزب کمونیست. در راستای چنین درس آموزی است که انترناسیونالیستها معتقد به حزب کمونیست انترناسیونالیست هستند، سازمانی جهانی که به کشور بخصوصی تعلق ندارد و حوزه عملکرد آن نیز جهانی است.

سوسیالیسم جهانی از دیگر درسهای انقلاب اکتبر است. استالینیسم و شورائگرایی علیرغم اینکه دشمن خونی هم هستند، نکات مشترک بسیاری دارند. یکی از نکات مشترک آنها، امکان تحقق سوسیالیسم در یک کشور است. برخلاف نظرات آنها، تجربه ارزشمند انقلاب اکتبر حقانیت درک مارکسیستی از ماهیت جهانی انقلاب جهانی کمونیستی را نشان داد که انقلاب کمونیستی یا جهانی است یا هیچ چیز و به تبع آن سوسیالیسم تنها در ابعاد جهانی امکان پذیر است.

اکتبر نشان داد بدون وجود حزب کمونیست انترناسیونالیست امکان پیروزی انقلاب کمونیستی وجود ندارد. آمادگی حزب کمونیست انترناسیونالیست برای رهبری سیاسی طبقه کارگر در نبردهای سرنوشت ساز حیاتی است.

سرمایه داری بوی خون، کثافت، لجن و جنگ میدهد، سرمایه داری منشا تمامی بدبختی ها و مشقات نه تنها برای طبقه کارگر، بلکه برای کل بشریت است. اکتبر نشان داد طبقه کارگر تنها طبقه ای است که بورژوازی را از طریق انقلاب جهانی خود به چالش می کشد و طبقه کارگر نمی تواند به طور واقعی خود را نجات دهد مگر آن که کل بشریت را از منجلا ب و کثافت سرمایه داری رها سازد. انقلاب کمونیستی نه تنها ممکن بلکه ضرورتی حیاتی است برای بقای نسل بشریت. بهترین گرامیداشت انقلاب اکتبر پافشاری بر ایده ها و اهداف آن انقلاب و رزمیدن برای تحقق انقلاب کمونیستی است. بگذار بار دیگر شبی به گشت و گذار درآید، شبی انقلاب کمونیستی. بگذار طبقه

بورژوا بار دیگر از شبیح انقلاب کمونیستی برخود بلرزد. چیزی برای از دست دادن نداریم، جز زنجیرهایمان و جهانی که بدست می آوریم. کمونیزم، جامعه ای که در آن استثمار انسان از انسان مفهومی ندارد، تنها افق برای بشریت است.

صدای انترناسیونالیستی

۱۶ مهر ۱۳۹۶

یادداشتها:

[۱] لنین - نامه خدا حافظی به کارگران سوئیس- هشتم آوریل ۱۹۱۷

[۲] لنین - سخنرانی گشایش در کنفرانس آوریل ۱۹۱۷

[۳] روزا لوگزامبورگ - انقلاب روس